

تشت رسوائی اشان. اصلاح نظام را شرط عزیمت به آزادی معرفی می‌کنند.

این روزها مشاهده می‌فرمائید که با عقب نشینی اردوی اصلاح طلبی رژیم و معاملات پشت پرده که تاکنون بارها اتفاق افتاده، این روشنفکران ابتر و شاغل در جبهه ارتجاع دلان قدرت هم تکانی به خود داده و کم‌کم دست از یا حسین میرحسین گفتن برمیدارند. برآستی که جنبش نوین ایرانیان بدون تصفیه حساب با این روند و عمده ارتجاع نمی‌توانند راه خود را بخوبی باز نمایند. جنبش باید از حواله‌کاران بورژوازی بخواهد که اقلاب به ویژه‌گی‌های جایگاه خود پای بند باشند. این دلان قدرت که طیفی از روشنفکرانها را تشکیل می‌دهند متاسفانه در ژانر ایرانی آن همه جا هستند. از رهبری جمهوری خواهان تا سرکردگی سازمانهای چند نفره کارگر نما. از سخن‌گویان گروههای دانشجویی تا کنش‌گردن حقوق زنان. نیک که بنگری جنبش آزادی خواهانه ایرانیان به نقطه‌ای رسیده است که تجربه شکست این برهه خود، شرط پیروزی عنصر تمدن، تفکر و توانائی ما در تصفیه صفوف دموکراسی خواهان است. اساتید دانشگاهها، مستخدمین فکرا نبارها و مراکز تبلیغی انحصارات امپریالیستی تا پادوهای آنها همگی طلایه‌دار حضور منافع بورژوازی در اجتماع هستند که وظیفه دارند، اقلاب از عنصر روشن بینی و خصوصیات یک بورژوا دفاع کنند. سردر آخور اسلام سیاسی و تداخل دین و دولت نافی ابتدائی ترین روند زندگی و تفکر یک روشنفکر بورژوا است.

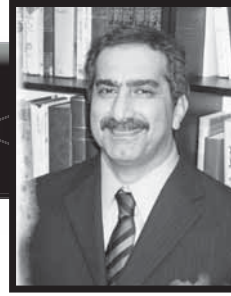
من، اما که باور دارم این جنبش سبز که بخشی از اقدامات سیاسی در جهت گذر از نظام حکومت دینی فعلی است، به مثابه مقطعی از جنبش آزادی خواهانه ایرانیان مطرح میشود و نه بیشتر. جنبش آزادی خواهانه ایرانیان هم بنابر مطالبات طبقاتی مردم آن به بخش‌های متفاوتی تقسیم می‌شود که اگر طالب شرکت ایرانیان در ابعاد سراسری در آن هستیم، ضرورت دارد که اجازه دهیم میرحسین موسوی با اعلام بیانیتهای دیگر خود و به همراه تمامی جناحهای اصلاح طلبی رژیم جمهوری اسلامی هويت خود را داشته باشند و

بقیه در صفحه ۶۷

ستم ارباب زمین‌دار برای کار به شهرها روی آوردند. بخش مهمی از روشنفکران اصیل یا دولت تشکیل دارند (انقلاب کبیر فرانسه) و یا در قدرت سیاسی سهم و از دایره عقل انتقادی روشنفکرانه خارج شدند. آنچه که مورد نظر این مطلب است، هويت آزادی خواهانه روشنفکر اروپائی است که اکیداً دین را از دولت جدا و حیطة دولت را برکنار از روابط جامعه مدنی و زندگی خصوصی مردم میدانند. روشنفکر بورژوا حتماً نباید خود صاحب سرمایه باشد ولی برای این فضا نظریه‌پردازی میکند و اگر طالب تغییر ساختاری نیست ولی مکانیسم اصلاح و تدبیر را ضامن بقای دموکراسی میدانند. برعکس روشنفکر ایرانی که محصول تطور اجتماعی و سیطره تسلط سرمایه‌داری نبود، خود ملقمه‌ای از آراء زمین‌ارزشی را همواره در پوشش تعاریف غربی عرضه داشته است.

از آن جمله است، سمت‌گیری‌های آغازین وی از بدو جنبش مشروطیت و بازی با مسائل مذهبی و تعاریف آن و عدم حساسیت طبقاتی در جدائی دین و دولت بوده است. نگاهی به متن بیانیتهای منتشره از سوی روشنفکران ایرانی در این ۷ ماهه کنید. تماماً بلیط ورودی خود را به مسئله، اذعان به مفاد مثبت بیانیتهای موسوی و کروی و... عنوان می‌کند. در برابر فریاد نسل نو که می‌گوید اینان از تبار و بازمانده روند قهرقرائی جامعه هستند، پوزخند زده، در حالیکه شال سبز برگردن انداختند در تحمیق دیگران و از جمله صاحب نامان دیار غرب در حوزه هنر و روشنفکری نیز دخالت کردند. وحدت کلمه را جار زدند و کذا.

درد بیانیته نویسان و همدستان داخل و خارج کشوری آنها این است که فاقد خاصیت روشنفکری اصلی بورژوائی هستند. برای بورژوازی کار می‌کنند (دانشگاه، رسانه‌ها و موسسات فکر - انبار) و اندیشه سازی آنها چیزی در ردیف کار تبلیغی و تکمیل‌کننده طرح‌های مراکز انحصارات است. ابتدا می‌خواستند بدون بورژوازه شدن جامعه، دهقانان و سربازان را به فرق جامعه یرسانند و بکشانند. سپس از این اندیشه پوچ منصرف شده و آخوند و جمهوری اسلامی را رهبر راه رشد غیر سرمایه‌داری معرفی نمودند. حال با افتادن



مجید پهلوان

تحلیل سیاسی

دموکراسی نفی تئوکراسی - ماهیت طبقاتی جنبش

در اردوی جمهوری خواهان و وابستگانه آنها تلاش در مخدوش نمودن این حد فاصل و ویژه‌گی دوگانه جنبش نوین نمودند. جناحی از رژیم را (رفسنجانی - موسوی) بر فرق جنبش نشانده و همان ادبیات آیت‌الله خمینی دایر بر حفظ وحدت کلمه را تبلیغ نمودند. حال می‌بینید که کدامیک از ما به مسئولیت انسانی و متمدنانه خود عمل نمودیم.

در این چند ماه بیانیته نویسان و سردمداران شوهای رویان سبز در نیمکره شمالی کره زمین، از ایران تا خارج از مرزهای آن با دروغ، شانتاژ و پرونده سازی، مجدداً هر صدائی را که سعی در نشان دادن تفاوت مطالبات جناح دورانندیش نظام از خواست اردوی انقلابیون ملت داشت را سرکوب نمودند. این مقال تلاش دارد تا به ابتر بودن و سترون بودن روشنفکر - بورژوازی ایرانی اشاره‌ای داشته باشد.

روشنفکر اصیل و اروپائی، رهبر جنبش دموکراسی و آزادی بود که خود محصول تطور جامعه اروپائی و رسیدن به شیوه تولید سرمایه‌داری است. این مناسبات آزادی را محمل گسیل میلیونها دهقانی نمود که آزاد از

این قلم با آغاز جنبش اعتراضی جدید و به دنبال مطالبات صد و اندی ساله آزادی خواهان ایرانی سکوی پرش و مرکز اندیشه تحلیلی خود را در این باره چنین بیان داشت. دنباله جنبش آزادی خواهانه و برای دموکراسی و عدالت اجتماعی بار دیگر و به بهانه انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه ۸۸ خورشیدی آغاز شد. در این میان دو نیرو در مقابل ائتلاف سپاه پاسداران (به رهبری دولت احمدی‌نژاد) و جناح خامنه‌ای قرار گرفت. ابتدا جناح اصلاح طلب، کارگزاران و موثلفین آنها و دیگری اردوی شهروندان ناراضی اگر جناح اصلاح طلب و مال باخته جمهوری اسلامی درصدد فشار به حریف در قدرت برای تقسیم سهم شیر بر سیاق سابق است، اما که اردوی ملت ایران سودای دموکراسی و عدالت اجتماعی در سر دارد. اگر جناح موسوی و رفسنجانی ها در پی کسب قدرت از دست رفته‌اند و استمرار رژیم اسلامی را در پیروی از راهکارهای خود می‌دانند، لیکن شهر نشینان ایرانی و بویژه طبقه متوسط نوین، زنان، کارگران، دانشجویان و سیل توفنده کوشندگان راه دموکراسی و عدالت اجتماعی درصدد بزیر کشیدن کل نظام بربریت هستند. از خرداد ماه به این سو، اما که مجدداً "خط امام" قبلی

پروانه عزیز، همکار گرامی

در گذشت ناپهنگام پدر عزیزتان
دکتر امیر حسین ابراهیمی
موجب غم و اندوه یکلیک ما
در شرکت بیمه (insuffin) شد.

همدردی ما را بپذیرید.

محمد رحیمیان،
مورگان، غنچه، شادی، مریم،
آرش

سرکار خانم پروانه ابراهیمی

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت گفته و
آرزوی صبر و شکیبایی برای شما و خانواده
محترمتان داریم.

ایران استار

سرکار خانم میترا کتیرائی

مصیبت وارده را از صمیم قلب تسلیت گفته و
آرزوی صبر و شکیبایی برای شما و خانواده
محترمتان داریم.

ایران استار



بعد تبلیغی، نفی کلیت نظام پیش روی ما است و به همگان جار می‌زنیم که هرگونه مماشاشات با نادیده گرفتن صدمات تداخل دین و دولت موجب تکرار گذشته می‌شود. موسوی‌ها طالب این جدائی نیستند، بلکه خود شاخه‌ای از درخت کهن عقب مانده‌گی تئوکراسی فکری و سیاسی هستند. در بعد ایجابی، سخت روی جمهوری دموکراتیک ایران، کار می‌کنیم. بیانیه نویسان در این گیر و دار ما را به انواع صفت‌های لایق خودشان مزین می‌سازند ولی گویا نسل نو مبارزان ایرانی، ابدأ نمی‌تواند شرم‌گینانه از خیمه اصلاح طلبی بربریت حقوق مساوی زنان و مردان، حقوق خلق‌های ایرانی و زحمتکشان و مطالبات طبقاتی جامعه را، توقع داشته باشد. جنبش نوین دموکراسی طلبی اکنون در تار و پود خود با مسئله عدالت اجتماعی نیز گره خورده، از این منظر، هرگونه دست‌عوض کردن درون حکومت پاسداران کهنه و نورا به ضرر جنبش ارزیابی می‌نماید. جنبش واقعی ایرانیان، اما که در ژرفای خود، دموکراتیک و برابری طلب است. مدرن است و طبقاتی که در نظر دارد از طریق موسسات طبقاتی و تشکلات صنفی و سیاسی خود، چرخ تحول بنیادی در اجتماع ایران را به پیش راند.

شعارها و سرفصل‌های مطالباتی اردوی اصلاح طلبی، ابدأ انعکاس شعار محوری جنبش آزادی خواهانه دائر بر جدائی دین و دولت نیست و ابدأ بعدی حقوق بشری از جمله مسائل و مطالبات جنسی (حقوق زنان) ملی (حقوق خلق‌های ایران) و طبقاتی (مطالبات زحمتکشان) را در خود ندارد. کسانیکه مداوم در بیانیه‌های خود می‌نویسند که "با حمایت از موارد مثبت بیانیه‌های آقای موسوی ... و چند قلم مطلب کلی چون آزادی زندانیان سیاسی را برجسته میدارند خوب میدانند که قانون اساسی جمهوری اسلامی مملو است از نکات مثبت و انعکاس قوانین حقوق بشر جهانی، اما که این موارد تنها آذین و دکور قضیه است و تداخل دین در دولت و ایجاد یک تئوکراسی از طریق حضور امسام و ولی فقیه و رهبر، مرکز نقل و خط اصلی نظام بربریت را تشکیل میدهد. اجازه دهید بخش اصلاح طلب نظام خود را بیشتر مطرح کند ولی اگر طالب ایرانی آزاد و آباد هستید از زیر چادر او بدر آید و خیمه خود را بر پا سازد که شرط تمدن این را می‌گوید.

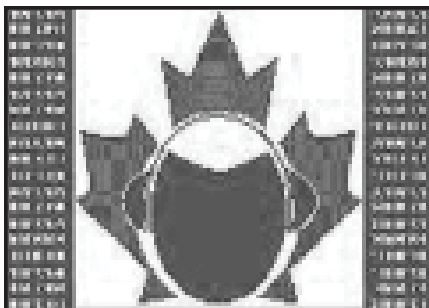
ما هم می‌توانیم و هم می‌خواهیم که مخرج مشترک جنبش علیه نظام بربریت (جمهوری اسلامی) دائر بر جدائی دین و دولت را تبلیغ و ترویج کنیم. در

که جناح اصلاح طلب رژیم خواهان این جدائی نیست. بند ناف همگی آنها با یک شکل‌بندی مذهبی بنام جمهوری اسلامی که نتیجه تداخل امر دین در تصاحب دولت است، هویت میابد. بیانیه نویسان خواب آلود ما همان ادبیات لانسسه کردن خمینی و این بار برای جناح اصلاح طلب بکار می‌برند. جالب اینجاست که اگر سری تنها به سطح کوچه و خیابان ایران بزنیم، بوضوح خود را مواجه با نسلی نو می‌بینیم که کمتر از سرنگونی تئوکراسی (حکومت دینی) نمی‌خواهد! پرش از سکوی دنیای نو، دموکراسی بسا می‌آموزد که موسوی‌ها که باید تشکل سیاسی خود را داشته باشند (که دارند) ولی مخالفین طبقاتی و متفاوت رژیم جمهوری اسلامی اگر چون سبکه تاریخی خود را زیر چادر آنها مخفی کند، دورو تسلسل عقب ماندگی را تقویت می‌نمایند. آیا حضرات تاریخ‌نویس، پژوهشگر، وزیر کابینه درباره شاه و دیگر "استادان نام‌آور" این را نمی‌دانند. من عقیده دارم که می‌دانند ولی وقتی به جریان مبارزه اجتماعی وارد می‌شوند باید نقاب از چهره بردارند، اینجاست که منافع طبقاتی آنها، سیطره هر نوع بورژوازی عمامه‌ای و بی‌عمامه را بر تزلزل روابطی مسموم، عقب مانده و ارتجاعی یک سرمایه‌داری پیرامونی ترجیح می‌دهند. برای بیانیه نویسان نشسته بر بالین مراکز فکر انبار و آموزشی انحصارات، هر نوع تکان شدید که سرآغاز تضعیف بورژوازی دلال ایران شود، ناگوار است، لذا در ابتدای هر سخن و مطلب و بیانیه خود اول و از طریق حمایت از موسوی‌ها، این دل‌بستگی را تاکید می‌کنند. هیئات که ضعف بورژوازی دلال ایرانی بی‌پایان است و حتی نتوانسته از ابتدای جنبش نوین ایرانیان (مشروطیت) از ویژه‌گی‌های فرهنگی، اخلاقی، فلسفی و مبارزاتی خود دائر بر محکومیت تداخل دین و دولت و وفاداری به محتوی منشور حقوق بشر دفاع کند. من فکری کنم که تداوم مبارزات روزمره ایرانیان به نفع جنبش آزادی خواهانه خواهد بود و هرگونه سازش دو جناح رژیم را به ضرر این روند ارزیابی می‌کنم. شواهد اما که حاکی بر آن است که این سازش همانطور که بارها و در مقاطع مختلف در حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاق افتاده، این بار هم تکرار می‌شود. محدودیت

بقیه از صفحه 66

دیگران نیز به صراحت برنامه خود را اعلام نمایند. قایم شدن پشت بیانیه و گروه و حرکت موسوی‌ها دردی را حتی از طبقه متوسط ما دوا نمی‌کند و در بهترین حالت و در صورت موفقیت وی، آن خواهد شد که مراد و امام و مرجع میرحسین‌ها (خمینی) کرد. بیانیه بدون روی دریاستی حتی با موسوی‌ها سخن گوئیم. موسوی و کروی و حضرات هم خط، بخش جدانشدنی از ادغام دین در دولت هستند و در تمامی اوقات شکل‌گیری، انسجام و حال انشقاق نظام در آن سهیم، شریک و از عمده‌ترین پاورانش بوده و هستند. آرزویی جز تداوم بهداشتی حکومت بربریت ندارند و بوضوح به جهانیان نیز جار می‌زنند. سیطره پاسداران را بر اقتصاد و سیاست کشور مورد چالش قرار داده‌اند و درصدد تقسیم قدرت و سهم شیر خود هستند. آقایان بیانیه نویسانی که از گرسنگی، بیکاری و بیچاره‌گی میلیون‌ها ایرانی اگر چه بی‌خبر نیستند ولی آن را حس نمی‌کنید. (چرا که سال‌های نوری با اوضاع معیشتی زحمتکشان ما بیگانه‌اند) مثل انسان مدرن و با تشکیل سازمان و گروه سیاسی خود، مستقلانه از منافع طبقاتی خود دفاع کنید. چادر موسوی‌ها گنجایش این همه کارپرداز را ندارد و در بهترین حالت و دیر یا زود با اردنگ از چادر به بیرون پرتاب می‌شوید (تجربه امام خمینی اتان فراموشتان که نشده).

آنچه که جنبش آزادی خواهانه ایرانیان را درصد و اندی سال گذشته به ناکامی کشانده، همین نظر مرکزی آیت‌الله خمینی، دائر بر وحدت کلمه است. جنبش‌های مدرن و اجتماعی همواره ناشی از برآمد اجتماعی ملتی هستند که بر سر اصولی مشترک ولی با هویت و تشکل مستقل طبقاتی خود در آن شرکت می‌جویند. در این کار، وحدت کلمه آن خواست استراتژیک جنبش است که می‌تواند علیه دخالت خارجی، علیه استعمار و یا فاشیسم داخلی باشد. گویا مخرج مشترک حرکت جنبشی ایرانیان، اکنون جدائی دین و دولت و در وجه اثباتی آن تشکیل دولتی دموکرات باشد. حضراتی که پشت چادر موسوی‌ها قایم می‌شوند به مردم نمی‌گویند



416 871-2153

Canadian Diploma Private High School

آیا بتازگی به کانادا آمده اید؟

آیا در فهمیدن صحبت‌های دیگران، تلویزیون و فیلم و حتی نوار تلفن مشکل دارید؟

آیا هنگام خرید، در بانک، پای تلفن، سر کلاس نیاز به مکالمه انگلیسی دارید؟

بیش از این وقت خود را تلف نکنید!

با شرکت در کارگاه‌های مخصوص مکالمه در این مرکز مشکل خود را یک ماهه حل کنید

ما گرامر میدانیم ولی شما برای صحبت کردن نیازی به دانستن آن ندارید!!

تدریس زبان یک تخصص است. با استفاده از تجربه ما، در عمر خود صرفه جویی کنید